

بررسی اصول روابط بین فردی براساس آموزه‌های اخلاقی-اجتماعی سوره حجرات و مدل یابی محتوایی از این آموزه‌ها

مرتضی کرمی^۱

سید صدرالدین شریعتی^۲

معصومه اسمعیلی^۳

تاریخ پذیرش: ۹۲/۳/۲۵

تاریخ وصول: ۹۲/۳/۸

چکیده

پژوهش حاضر به منظور استنباط اصول روابط بین فردی براساس آموزه‌های اخلاقی-اجتماعی سوره حجرات صورت گرفته است. این تحقیق از نوع کاربردی بوده و روش تحقیق بکار گرفته شده در این پژوهش، توصیفی است. شیوه گردآوری اطلاعات نیز به صورت کتابخانه‌ای بوده است. یافته‌های تحقیق شامل ارتباط بین فردی: مانند توجه به جایگاه مخاطب (سلسله مراتب اجتماعی)، رعایت احترام و ادب، برادری دینی (مفهومی فراتر از همدلی)، یکپارچه نگری و تحلیل خبر؛ آداب روابط بین فردی: نظیر توجه به تأثیر لحن و تن صدا، نوع نگاه و تماس چشمی، شیوه گوش دادن و توجه به موقعیت گفتگوها؛ موانع ارتباطی: مانند ذهن خوانی،

Mk31515@yahoo.com

۱- دانشجوی دکتری دانشگاه علامه طباطبائی

۲- استاد دانشگاه علامه طباطبائی

۳- استادیار دانشگاه علامه طباطبائی

مسخره کردن، عیبجویی، غیبت کردن، بدگمانی، تجسس و در نهایت برچسب زدن، می‌شود. همچنین بر اساس یافته‌های فوق، مدلی محتوایی، در زمینه روابط بین فردی ارائه گردیده است.

واژگان کلیدی: روابط بین فردی، آموزه‌های اخلاقی - اجتماعی سوره حجرات.

مقدمه

از دیدگاه متخصصین علوم اجتماعی ارتباط، یکی از قدیمی‌ترین و در عین حال، عالی‌ترین دستاوردهای بشر بوده است. ارتباط علاوه بر کارکردهایی که در جهت حفظ حیات و یاری گرفتن از دیگران داشته، زمینه ساز فعالیت‌های اجتماعی و سرآغازی برای زندگی جمعی بشر بوده است. اگرچه برقراری ارتباط بر اثر انگیزه‌های گوناگون صورت می‌گیرد، اما هیچ نوع ارتباطی جز، به دلیل احساس نیاز شدید انسان به برقراری تعامل اجتماعی به وقوع نمی‌پیوندد (بولتون، بی تا، ترجمه سهرابی و حیات روشن، ۱۳۸۸، ص: ۱۳). با این حال برخی از انسان‌ها در برقراری ارتباط، به طور موثر و کارآمد عمل نمی‌کنند. تحقیقات انجام گرفته نیز نشان می‌دهند که ۷۰٪ مشکلات افراد ناشی از وجود ارتباطات ضعیف در بین آنهاست (ملکی، ۱۳۸۶، ص: ۲۴).

نگاهی هرچند کوتاه به وضع کودکان، نوجوانان و بزرگسالان در جامعه ما و همچنین بسیاری از نقاط جهان، ما را با مسائل و دشواری‌های عظیمی در زمینه روابط انسانی که ناشی از متغیرهای مختلف است، آگاه می‌سازد، چرا که ارتباط ناموثر موجب فاصله بین فردی عمیقی می‌گردد که هم اکنون در همه جنبه‌های زندگی اعم از شغلی، خانوادگی، تحصیلی، اجتماعی و همه بخش‌های جامعه تجربه می‌شود. ارتباط ضعیف از جمله منابع عمده ای است که بین افراد تضاد و تعارض ایجاد می‌کند و به نظر می‌رسد که ریشه بسیاری از مشکلات و ناسازگاری‌ها است (عابدی، ۱۳۸۵، ص: ۶۷).

اگر بتوانیم فراگرد ارتباط بین انسان‌ها را به درستی بررسی نماییم و قوانین حاکم بر آن را دریابیم، بدون شک این قابلیت در فرد ایجاد خواهد شد که در ارتباط با دیگران موفق‌تر عمل

کند. در حقیقت آشنایی با مهارت‌های لازم در برقراری ارتباط مؤثر با دیگران، ضرورتی اجتناب ناپذیر است و افرادی که دارای این مهارت‌ها هستند، در حل مشکلات خود توانمندتر هستند. به عبارت دیگر بین ارتباط و ارتباط اثربخش، تفاوت‌هایی وجود دارد (فرهنگی، ۱۳۸۴، ص: ۱۰۴). در این باره، لیو^۱، (۲۰۰۵)، بیان می‌کند که ارتباط اثربخش، صرفاً به وسیله عوامل شناختی مشخص نمی‌شود، بلکه با انگیزش‌ها و علایق تأثیرگذار فرد نیز ارتباط دارد. در واقع ارتباط اثربخش، به چند بعدی بودن ارتباط، اشاره دارد. بعد اول ارتباط شامل ابزارهای ارتباطی اصلی، نظیر صحبت کردن، گوش دادن و توانایی ارائه توضیحات منطقی می‌شود و بعد دوم، سطح عمیق تر ارتباط، نظیر عاطفه و هیجان، انتقال رازداری و صداقت را در بر می‌گیرد. تیلر و لستر، (۲۰۰۹)، نیز جنبه‌های ارتباط موفق را شامل تفکر مثبت، ابراز وجود و مهارت‌های گوش دادن می‌دانند. به اعتقاد آن‌ها، اهمیت ارتباط اثربخش این است که ضمن کاهش فشارها، تعارض‌ها، اشتباه‌ها و خطاهای ادراکی، موجب بهتر شدن فرآیندهای تصمیم‌گیری، حل مسئله، روابط و تصویر سازی حرفه ای از خود می‌شود.

همسو با این مطالب، کولینک^۲، (۲۰۰۰)، معتقد است، جهت برقراری یک ارتباط مناسب و اثربخش، آشنایی با مهارت‌های ارتباطی ضروری است و ضعف در مهارت‌های ارتباطی، می‌تواند بر عملکرد افراد تأثیر منفی بگذارد. بنابراین، آگاهی اندک از مهارت‌های ارتباطی و در نتیجه کاربست ضعیف آن‌ها، سبب مشکلاتی در مداخلات عمده افراد در روابط بین فردی و مناسبات اجتماعی می‌شوند (کریک-آنکفر و کایزر^۳، ۲۰۰۲)؛ همچنین افرادی که از مهارت‌های ارتباطی ضعیف تری برخوردارند، کمتر مورد پذیرش اطرافیان خود قرار می‌گیرند و با مشکلات کوتاه مدت و بلند مدت زیادی روبرو می‌شوند (قاسم آبادی، ۱۳۷۷، ص: ۱۲۱).

در مقابل، آگاهی و احاطه عملی بر مهارت‌های ارتباطی، موجب افزایش ارزش و احترام افراد در نزد دیگران می‌گردد، لذا می‌توان گفت افرادی که از مهارت‌های ارتباطی بالایی

1. Liu, J. E.
 2. Coleing, T. J.
 3. Craig-Unkefer, L.A., Kaiser, A.P.

برخورد دارند، محبوبیت بیشتری در نزد دیگران دارند. نحوه ارتباط افراد با یکدیگر، در میزان حمایت و کمکی که از سوی یک دیگر دریافت می‌دارند، به طور مستقیم اثر می‌گذارد و راهی می‌گشاید تا افکارشان به سهولت تجلی یافته و پس از پذیرش، تحقق یابد. همچنین برخورداری از مهارت‌های ارتباطی مناسب، به توانایی و اعتماد به نفس فرد می‌افزاید و احترام و قدردانی دیگران را جلب می‌کند. در واقع ارتباط با دیگران فنی است که بر اساس همدلی، صمیمیت و احترام قرار دارد. فنون ارتباطی، مسیر دو جانبه‌ای را برای سهیم شدن در عقاید و افکار می‌گشاید (مصطفوی، ۱۳۸۶، ص: ۳۲۸).

بر همین اساس، هدف نهایی مهارت‌های ارتباطی، آگاهی بخشی، ایجاد نگرش‌های مثبت، کاهش منازعات و توسعه موارد توافق و کمک به حل مسائل طرفین ارتباط است. فراگیری روابط بین فردی صحیح، اهمیت بسزایی در ایجاد سلامت روانی، رشد شخصی، هویت یابی، افزایش بهره‌وری شغلی، افزایش کیفیت زندگی، افزایش سازگاری و خودشکوفایی دارد. اگر افراد از مهارت‌های ارتباطی مناسب برخوردار نباشند در بسیاری از جنبه‌های زندگی آسیب پذیر خواهند بود (کریمی، ۱۳۸۸، ص: ۱۴۳).

مهارت‌های ارتباطی را در حوزه‌ها و حیطه‌های گوناگون، به انواع مختلف، تقسیم کرده‌اند. برای مثال، سلیا جنکینز و مانگنر، (۲۰۰۸)، این مهارت‌ها را به دو دسته اصلی، مهارت‌های سؤال کردن و مهارت‌های تقسیم اطلاعات تقسیم کرده‌اند. بورتون و دیمبلیسی، (۲۰۰۲)، مهارت‌های عقلانی، کارکردی، بین فردی و گروهی را چهار دسته کلی مهارت‌های ارتباطی می‌دانند. هارتلی^۱، (۲۰۰۱)، در تبیین یک زمینه جامع برای مهارت‌های ارتباطی، تقسیم‌بندی زیر را پیشنهاد می‌کند: ارتباط غیر کلامی یا زبان تن، پاداش، پرسش، انعکاس، باز یا بسته بودن، توضیح دادن، خود ابرازی و گوش دادن.

تاکنون برای تبیین نظری ارتباط و مهارت‌های آن، نظریه‌های مختلفی ایجاد و رشد پیدا کرده‌اند. مهمترین و کاملترین تقسیم‌بندی صورت گرفته در این زمینه بوسیله گرین و بورلسون

1. Hartley, P.

ویژگی‌های مهم این مدل توجه به هدف‌مداری فعالیت اجتماعی است (هارجی، ساندرز و دیکسون، بی تا؛ ترجمه بیگی و فیروزبخت، ۱۳۸۶، ص: ۱۵۵).

با گسترش و اهمیت یافتن رویکردهای چند فرهنگ‌نگری، این نکته بیش از پیش آشکار شده است که نمی‌توان بدون توجه به بافت‌های فرهنگی-اجتماعی و سیاسی-اقتصادی جوامع، دانش و فنون مکاتب علمی یک فرهنگ خاص (علی‌الخصوص غربی) را برای تمام فرهنگ‌ها تجویز نمود. این در حالی است که خیلی از متخصصان مطمئن نیستند که چگونه و چه موقعی باید آگاهی و مهارت‌های چند فرهنگی را وارد کاربست بالینی و آموزشی خود کنند (کاردمیل و بتل، ۲۰۰۳؛ به نقل از کُری، ۲۰۰۵، ص: ۱۱). در واقع توجه به تفاوت‌های فرهنگی و ارزش‌های مخاطبین و رعایت کردن آن‌ها در برنامه‌های آموزشی و بالینی یک التزام اخلاقی محسوب می‌شود (شریعتی و کرمی، ۱۳۸۹، ص: ۷۵).

لذا باید به این نکته توجه نمود که ماهیت و گاه، محتوای مهارت‌های ارتباطی را می‌توان با در نظر گرفتن شرایط فرهنگی، بافت و هنجارهای اجتماعی، آداب و رسوم سنتی رایج و ارزش‌های دینی و مذهبی حاکم بر جامعه مورد نظر، غنی‌تر و پربارتر ساخت. چه اینکه این امر به کارآمدی بیشتر آموزش‌های مرتبط با مهارت‌های زندگی نیز منجر می‌شود. در فرهنگ اسلامی ما، یکی از این عوامل تأثیرگذار، توجه به آموزه‌های قرآن کریم در حوزه روابط بین فردی و اجتماعی، به منظور بهبود مهارت‌های ارتباطی افراد، است. در این میان، توجه به مفاهیم سوره حجرات که بیشتر، مبین مسائل اجتماعی و اصول روابط بین فردی سالم در جامعه اسلامی است، حائز اهمیت فراوانی می‌باشد.

این سوره در مدینه منوره نازل شده و دارای هیجده آیه و به نام «حجرات» یا سوره «آداب و اخلاق» نامیده شده است و چون در این سوره نام حجره‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله (که بسیار ساده بودند) برده شده، حجرات نام گرفته است (قرائتی، ۱۳۸۰، ص: ۱۳). سوره حجرات از حیث بیان مسائل اجتماعی و معرفی معیارهای یک جامعه آرمانی، اسلامی و سالم در کنار سوره‌های مائده و ممتحنه، یکی از سوره‌های بی‌بدیل قرآن در این زمینه است. قوانین

اجتماعی‌ای که در این سوره بیان شده می‌تواند، منشوری برای رفع معضلات بین فردی و نیز الگویی برای پیشگیری از بروز ناهنجاری‌های اجتماعی باشد.

با توجه به مطالب فوق این مسئله برای پژوهشگران این تحقیق مطرح شد که آیا با استفاده از آموزه‌های اخلاقی - اجتماعی سوره حجرات می‌توان موفق به استنباط اصول، مبانی و آداب (مهارت‌های) روابط بین فردی شد؟ به عبارت دیگر، هدف پژوهش حاضر استنباط اصول، مبانی و آداب (مهارت‌های) روابط بین فردی بر مبنای آموزه‌های اخلاقی - اجتماعی سوره حجرات است. تا بتوان از یافته‌های این پژوهش در برنامه‌های کارآمد سازی افراد در حیطه روابط بین فردی متناسب با وضعیت بوم شناختی کشورمان استفاده کرد.

روش

این پژوهش از نوع تحقیقات کاربردی است. بر اساس روش جمع‌آوری اطلاعات، روش پژوهش در این تحقیق، توصیفی و از نوع مطالعه کتابخانه‌ای است. برای گردآوری اطلاعات، هم از منابع دست اول و هم از منابع دست دوم، استفاده شد. به این صورت که با مراجعه به کتب دست‌اول نظیر کتاب‌های تفسیری و حدیثی و نیز کتاب‌های دست دوم، از آن‌ها فیش‌برداری گردید. در مرحله بعد مطالب فیش‌برداری شده بر اساس ادبیات علمی موجود در حوزه روان‌شناسی ارتباطات و زیر نظر متخصصین علوم قرآن و حدیث (۵ نفر از دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و قرآن حدیث و ۵ نفر از طلاب سطح سه حوزه علمیه امام رضا (ع) تهران) مورد مطابقت و استنباط روان‌شناسانه قرار گرفتند. در نهایت بعد از دسته‌بندی مطالب در قالب عنوان‌های مناسب و درخور، محققین توانستند یک مدل محتوایی از مطالب استنباط شده از سوره حجرات ارائه دهند.

یافته‌های پژوهش

تحلیل محتوایی سوره حجرات در حوزه تعاملات اجتماعی، موارد مهمی نظیر، نحوه تعامل و ارتباط با رهبری و مدیریت راهبردی جامعه اسلامی (آیات ۱ تا ۵)، تعامل و ارتباط بین فردی اعضای جامعه (تقریباً با قابلیت تعمیم، تمام سوره حجرات)، عوامل مختل کننده مناسبات و امنیت اجتماعی و در سطحی بالاتر، اخوت و برادری دینی (آیات ۱۱ تا ۱۳)، درگیری‌های اجتماعی و عواملی که منجر به تخریب هویت و شخصیت اجتماعی (آیات ۸ تا ۱۳) می‌شود را در بر می‌گیرد. بر مبنای این تحلیل، یافته‌های پژوهش در سه حوزه اصول و مبانی روابط بین فردی، آداب (مهارت‌های) ارتباطی و موانع ارتباطی تنظیم شده‌اند.

اصول و مبانی روابط بین فردی

جایگاه مخاطب (توجه به مفهوم سلسله مراتب اجتماعی)

آنچه که در وهله نخست، از آیات اول (۱ تا ۵) سوره حجرات قابل استنباط است، توجه به جایگاه افراد یا سلسله مراتب اجتماعی در جامعه اسلامی است. اگرچه آموزه‌هایی که از این آیات استخراج می‌گردند، اختصاص به نحوه تعامل با رهبر جامعه دارد، اما، اغلب مفسرین این آموزه‌های اخلاقی-اجتماعی را قابل تعمیم به کل ارتباطات موجود در جامعه می‌دانند (قرائتی، ۱۳۸۳، ص: ۲۵ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص: ۲۳۴). به عنوان مثال، توجه به جایگاه یا سلسله مراتب اجتماعی، می‌تواند در خانواده، پدر و مادر، در نظام تعلیم و تربیت، استاد و معلم و مواردی از این قبیل را شامل گردد.

توجه به عامل جایگاه یا سلسله مراتب اجتماعی، می‌تواند عناصر فعال در ارتباط، خصوصاً، نوع توقعات و انتظارات، سطح تعامل، اهداف ارتباط، شیوه‌هایی که بر اساس آنها ارتباط برقرار می‌شود و درجه اهمیت ارتباط را تحت تأثیر خود قرار دهد. لزوم توجه به این مسئله را می‌توان به طور روشن، در آیه ۷ سوره حجرات که می‌فرماید: «وَاعْمَلُوا أَنْفِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِنَ الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ...» (و بدانید که پیامبر خدا

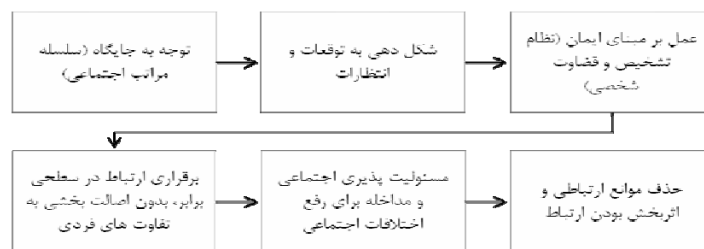
در میان شماست. اگر در بسیاری از کارها از رأی و میل شما پیروی کند، قطعاً دچار زحمت می‌شوید. لیکن خداوند ایمان را برای شما دوست داشتنی گردانید و... مشاهده کرد. چرا که ملائک بودن توقعات و انتظارات مخاطب- در آیه مورد بحث، رسول خدا صلی الله علیه و آله- در مقابل توقعات ارتباط گران (مؤمنین) مطرح شده است. به این معنی که عنصر جایگاه، عامل اصلی در شکل دهی به توقعات، در روابط بین فردی است.

جالب اینکه، مسائل مرتبط با این آموزه، بنابر تصریح خود آیه، با نظام اعتقادی و فکری افراد، ارتباط تنگاتنگ و تعیین کننده‌ای دارد. یعنی ایمان به عنوان یک چارچوب مرجع درونی- نظام تشخیص و قضاوت شخصی و حتی به عنوان یک نگرش- در شکل دهی به ارتباط، نقش مهمی را بازی می‌کند. توجه به ایمان به عنوان یک نگرش تأثیرگذار بر روابط بین فردی، که منشأ عمل و رفتار و نه صرفاً گفتار، است به وضوح از آیه ۱۴ که می‌فرماید: «قَالَتِ الْأَعْرَابُ ءَأَمْنَا قُل لَّمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيْمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ و...» (برخی از بادیه نشینان گفتند «ایمان آوردیم» بگو «ایمان نیاورده اید، لیکن بگویید: اسلام آوردیم» و هنوز در دل‌های شما ایمان داخل نشده است و... قابل استنباط است. گذشته از این، محبوب بودن ایمان برای مؤمنین و منفور بودن کفر برای آن‌ها، بیشتر جنبه انگیزشی و تشویقی دارد تا عمل به حکم داده شده.

عامل دیگری که لزوم توجه به جایگاه افراد یا سلسله مراتب اجتماعی، در روابط بین فردی را تبیین می‌کند، نقشی است که افراد بر حسب جایگاه خود، در رفع تعارضات، آشفتگی‌ها و درگیری‌های اجتماعی، بازی می‌کنند. این مسئله قابل استنباط از آیات ۹ و ۱۰ سوره حجرات است که می‌فرماید: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتَ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغَى حَتَّى تَبْغَى إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم بجنگند، میان آن دو را اصلاح دهید، و اگر [باز] یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد، با آن [طایفه‌ای] که تعدی می‌کند بجنگید تا به فرمان خدا باز گردد. پس اگر باز گشت، میان آن‌ها را دادگرانه سازش دهید

و عدالت کنید، که خدا دادگران را دوست می‌دارد) «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (در حقیقت مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادران‌تان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید، امید که مورد رحمت قرار گیرید).

ظهور و بروز اختلاف در هر جامعه ای طبیعی است. چرا که در جامعه سلاقی مختلف، تفاوت‌های فردی، تضارب آراء و کلاً، گروه‌های مختلفی وجود دارند. نکته ای که حائز اهمیت است، نحوه مرتفع ساختن و حل مسائل بوجود آمده در حوزه روابط بین فردی است. دعوت به حق، قضاوت و عمل بر مبنای عدالت، محور قرار دادن ایمان و مسئولیت پذیری اجتماعی، مواردی هستند که جزو اصول اساسی حل مسائل جامعه دینی در آیات بیان شده هستند. همچنین توجه به این نکته ضروری است که عامل جایگاه فقط، در تنظیم روابط اجتماعی، دارای اعتبار است. چرا که بنابه گزاره صریح موجود، در آیه ۱۳ سوره حجرات که می‌فرماید «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَىٰكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی‌تردید، خداوند دانای آگاه است) ملاک و معیار اصلی در شأنیت اجتماعی، تقوای الهی است. مباحث فوق را می‌توان به صورت زیر نشان داد:



رعایت احترام و ادب

احترام در لغت نامه دهخدا به معنای حرمت داشتن، بزرگ داشتن و بزرگداشت آمده است (دهخدا، ۱۳۷۹، ج، ۱، ص: ۹۳۸). احترام بر این اساس، چنان که در اصطلاحات عرفی نیز آمده به معنای تعظیم و تکریم و گرامیداشت شخص است که بی ارتباط با معنای لغوی آن نیست؛

زیرا شخص یا هر چیز دیگری که محل احترام است، از نظر مردم دارای حرمت و حریمی است که می‌بایست آن را حفظ کرد.

احترام به عنوان یک واژه غیر مصرح قرآنی، تحت معانی مختلفی بکار رفته است. برای نمونه، به معنای تکریم خدا (علق / ۳) «اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ» بخوان که پروردگارت (از همه) بزرگوارتر است، و انسان (اسراء / ۷۰)، «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ» ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم؛ و نیز به معنای بزرگداشت، مانند آیه ۹ سوره فتح، «لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ» تا (شما مردم) به خدا و رسولش ایمان بیاورید و از او دفاع کنید و او را بزرگ دارید و آیه ۳۰ الی ۳۲ سوره حج، «ذَلِكَ وَمَنْ يُعِظْ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَّهُ عِنْدَ رَبِّهِ» و هر کس برنامه‌های الهی را بزرگ دارد، نزد پروردگارش برای او بهتر است!

رعایت احترام و ادب، مفهومی است که از آیات اول، دوم و چهارم سوره حجرات، قابل استنباط است. در آیه اول، پیشی گرفتن و تقدم جستن، اعم از اظهار نظر و عقیده و یا اقدام به عمل، در هر امری و در آیه دوم، بلند کردن صدا، نسبت به رسول خدا (صلی الله و آله و سلم) و در آیه سوم، فریاد زدن به منظور خطاب قرار دادن آن حضرت، مورد نکوهش قرار گرفته و خداوند متعال، جامعه اسلامی را نسبت به این امور، نهی فرموده است. بنابر نظر برخی مفسرین، آیات مورد بحث دامنه گسترده و وسیعی را شامل می‌شوند و قابل تعمیم به افراد جامعه اسلامی و روابط بین آن‌ها است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص: ۱۳۷).

جنبه دیگری که مبین لزوم رعایت احترام و ادب در گفتار است، نحوه مخاطب قرار گرفتن افراد جامعه، توسط خداوند متعال می‌باشد. چرا که خداوند، مخاطبین این سوره را، در جرگه مؤمنین قرار داده و به تکریم شخصیت آن‌ها پرداخته است و اینگونه زمینه را (از لحاظ عاطفی) برای بیان مفاهیم اساسی و بسیار مهم جامعه اسلامی فراهم نموده است (قرائتی، ۱۳۸۳، ص: ۷۱). مکارم شیرازی، در آیه چهارم و در ذیل تفسیر عبارت «أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» به بعد دیگری از در نظر گرفتن ادب و احترام مخاطبین، توسط خداوند متعال اشاره می‌کند. وی بیان می‌کند که «اکثر» در لغت به معنی، همه است، که برای رعایت احترام و ادب بکار می‌رود؛

طوری‌که اگر یک نفر هم مستثنی بود، حق او ضایع نشود. گویی خداوند می‌فرماید: من که پروردگار شما هستم و به همه چیز احاطه علمی دارم به هنگام سخن گفتن رعایت آداب می‌کنم پس شما چرا چنین نمی‌کنید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج، ۲۲، ص: ۱۴۲).

اگرچه، رعایت حق تقدم، بلند نکردن صدا در برابر دیگران و آرام سخن گفتن، از نمونه‌های مصداقی احترام در سوره حجرات است؛ اما این سوره تنها به این مسئله بسنده نکرده و برخی از مواردی که مصداق بی‌احترامی شمرده می‌شوند را نیز ذکر می‌کند، مانند: استهزاء (مسخره کردن) و تحقیر دیگران، عیب جویی، مخاطب قرار دادن دیگران با القاب زشت (آیه ۱۱)، بدگمانی، تجسس، غیبت (آیه ۱۲) و تفاخر و خود برترینی (آیه ۱۳).

توجه آموزه‌های دینی به ضرورت احترام، یکی از منابع روانی دین است که در افراد احساس مهم بودن و ارزشمندی را ایجاد می‌کند (جرج و همکاران، ۲۰۰۲، به نقل از سانچز و ناپو، ۲۰۰۸). آنچه که در باب احترام، مهم است بدانیم، این است که احترام، نگرشی است که در آن، افراد برای همدیگر ارزش و اهمیت زیادی قائل هستند. احترام در اصیل‌ترین شکل خود، به صورت توانایی گوش دادن و توجه به مخاطب، نشان داده می‌شود. روشن است که این توانایی‌ها، از نگرش صرف هم فراتر رفته و به ارزش‌گذاری فعالانه و قدردانی تبدیل می‌شوند. علاوه بر این، باید توجه کرد که احترام به معنای انتقاد نکردن یا پنهان کردن احساسات و عواطف خود نیست (حسینی، ۱۳۸۹، ص: ۹۳).

حسینی (۱۳۸۹)، معتقد است که ارتباط بر مبنای ادب و احترام، به دو نوع سازنده و مخرب تقسیم می‌شود. در نوع اول، مبنای ارتباط، تکریم شخصیت دو طرف ارتباط است. در این نوع ارتباط، طرفین در مبادله اطلاعات و احساسات، در فضایی مناسب مشارکت می‌کنند و هر دو طرف، ارزش بالایی برای خود قائل خواهند بود. در مورد روابط مخرب، باید گفت که اساس این گونه روابط، تحقیر شخصیت طرفین است. و ارتباط بیشتر در سطح فیزیکی اتفاق می‌افتد و نه احساسی و عاطفی.

براون (۲۰۰۳)، هسته اصلی احترام را «توجه به خود» یا «خودآگاهی» می‌داند. وی بیان می‌کند که خودآگاهی برای بررسی سؤال «من که هستم» در سطحی عمیق‌تر مشخص می‌شود. به اعتقاد براون، با تشخیص ارزش خود در فرآیند خودآگاهی، ما بهتر قادر می‌شویم ارزش ذاتی دیگران را تصدیق کنیم. این امر در نهایت منجر به احترام متقابل و هماهنگی در روابطمان می‌شود.

آموزه‌های اخلاقی دین ماهیتاً سبب ایجاد احترام متقابل و احساس ارزشمندی در افراد می‌شود و همین احساس ارزشمندی و احترام به فرد کمک می‌کند تا عزت نفس و وجهه اجتماعی خودش را در جامعه بهبود دهد و بر اساس آن روابط اجتماعی جدید و سالمی را ایجاد نماید (سانچز و ناپو، ۲۰۰۸).

لازمه ارتباط موفق، مجموعه‌ای از نگرش‌هاست که شنونده را در چارچوب ذهنی مناسبی قرار دهد. سازه احترام نه تنها، چنین چارچوبی را فراهم می‌کند بلکه ضرورت نگرش‌های مربوط به ارتباط فعال، شناخت نگرش‌های مثبت در زمینه همدلی، اعتماد متقابل، تأخیر در قضاوت و تفسیر، همراهی با گوینده و نیز صبر و بردباری را شامل می‌شود. هریک از این نگرش‌ها شنونده را یاری می‌کند تا نسبت به سخنان گوینده با وسعت نظر روبه‌رو شود و مانع از آن می‌شود که شنونده مواردی را که گفته می‌شود، ارزیابی کند یا در گفتگوی درونیش، بر آن‌ها تأکید کند (وسترا، بی تا؛ به نقل از میر عابدینی، ۱۳۸۷، ص: ۱۸۹).

بنابراین، از یک سو، احترام به عنوان یکی از زمینه‌های اصلی ارتباط موفق، موجب ایجاد و تقویت بازخوردهای مثبت و به دنبال آن، پرورش صمیمیت اجتماعی می‌شود. یعنی، احترام به بهسازی محیط اجتماعی کمک می‌کند (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹، ص: ۱۰۸) و از سوی دیگر، مبنای ابراز وجود، لزوم رعایت احترام متقابل است. چراکه اگر عنصر احترام را از ابراز وجود حذف کنیم، ارتباط بیشتر جنبه تحکم و پرخاشگونه به خود خواهد گرفت.

اخوت و برادری (مفهومی فراتر از همدلی)

از جمله آیاتی که در قرآن کریم در مورد اخوت و برادری بحث کرده، آیه دهم سوره حجرات است که می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَابِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (مؤمنان برادر یکدیگرند؛ پس دو برادر خود را صلح و آشتی دهید و تقوای الهی پیشه کنید باشد که مشمول رحمت او شوید). براساس این آیه، هر یک از افراد جامعه اسلامی موظف هستند آثار اجتماعی مربوط به پیوند برادری را در سیر و سلوک زندگی خود رعایت نمایند و در این راستا، حقوق اجتماعی و معاشرتی روابط بین فردی را در نظر گرفته و در مقام اداء آن برآیند (حسینی همدانی، ۱۴۰۴، ج ۱۵، ص: ۳۹۵).

در نگرش قرآن، مسلمانان برادر دینی هم هستند و می‌بایست این برادری را به شیوه‌های عملی و رفتاری تقویت کنند (احزاب، آیه ۱۸ و بقره، آیه ۱۷۸). آثار برادری در دو بعد اسلامی و ایمانی (که مرتبه عالی تری از اسلام است) مورد توجه قرآن بوده و بدان پرداخته است. بیان این آثار خود بیانگر ارزش، اهمیت و جایگاه مهم برادری ایمانی در نگرش و بینش اسلام و قرآن است. از جمله آثاری که قرآن برای برادری بیان می‌کند می‌توان به حسن معاشرت و ایجاد همبستگی و الفت در میان مومنان (بقره، آیه ۲۲۰)، اصلاح میان مومنان (حجرات، آیه ۱۰)، برطرف کردن اختلافات و دو دستگی‌ها (ص، آیه ۲۲ و ۲۳)، دوری از غیبت و حفظ حریم خصوصی افراد (حجرات، آیه ۱۲)، تساوی در حقوق (توبه، آیه ۱۱)، عفو و گذشت در حق یک دیگر (بقره، آیه ۱۷۸) اشاره کرد.

مفهوم اخوت و برادری دینی، در متون کلاسیک اغلب تحت عنوان «توان شبکه سازی دین» مطالعه شده است. به عنوان مثال، آرنولد و همکاران، ۲۰۰۲، دریافتند که دو زمینه غالب از معنویت وجود دارد: اول اینکه، معنویت به عنوان منبع قدرت یا نیروی حفاظت از خود نقش آفرینی می‌کند. دوم اینکه، معنویت منبع نوع دوستی و حمایت از دیگران از طریق ایجاد پیوندهای دینی و شبکه‌های اجتماعی است (آرنولد و همکاران، ۲۰۰۲؛ به نقل از ویلز، ۲۰۰۷).

به اعتقاد باساک کروح، (۲۰۰۵)، نتایج مثبت روان‌درمانی‌های دینی، ممکن است ناشی از اثر حمایت اجتماعی، پیوند اجتماعی یا هویت جمعی‌ای باشد که در سایه فعالیت‌ها و اصول دینی حاصل می‌شود. لذا مفهوم برادری دینی را می‌توان از جنبه نظری و فنی، یکی از عوامل مؤثر در رویکرد مقابله دینی به شمار آورد. بر این اساس، سازه برادری دینی، از طریق ایجاد یک شبکه اجتماعی قوی، ضمن فراهم آوردن حمایت اجتماعی، قدرت سازگاری و مقابله‌ای فرد را در موقع آشفتگی روابط بین فردی بالا می‌برد.

براون، (۲۰۰۳)، در تبیین نقش رویکرد معنوی در روابط بین فردی، به مسئله همکاری اجتماعی می‌پردازد. به نظر وی، برای گروهی از مردم که در یک زمینه اجتماعی با هم به فعالیت می‌پردازند، ضروری است که بفهمند چگونه افکار، نگرش‌ها، احساسات و رفتارهای آنان به موفقیت گروهی منجر می‌شود. نکته مهم دیگری که در مفهوم برادری دینی، نهفته است، توجه به پذیرش عاری از قضاوت درباره دیگران است. به اعتقاد سانچز و ناپو، (۲۰۰۸)، این مهمترین عاملی است که بر اساس آن رویکردهای دینی در درمان، موفق به تأمین حمایت اجتماعی می‌شوند. این امر در مورد مفهوم برادری دینی ارائه شده در سوره حجرات، زمانی خود را آشکار می‌کند که می‌بینیم، خداوند متعال برای تحکیم روابط اجتماعی جامعه اسلامی، مومنین را از سوء ظن (تفکر منفی نسبت به دیگران)، غیبت (بدگویی) و حتی تجسس (عیب جویی) نهی می‌کند. چرا که در ماهیت موارد مذکور تا حد زیادی قضاوت شخصی وجود دارد.

کارک لا و کانستانتینو، (۲۰۱۰)، معتقدند دلیل توانمند بودن دین در تسهیل صمیمیت اجتماعی و ارتباط با دیگران، تبیین و تأمین حقوق فردی توسط عقاید دینی است. در این میان، اصلاح ذات بین، رعایت حقوق فردی و اجتماعی و احترام متقابل، از ضرورت‌های ایجاد زمینه برای بهسازی محیط اجتماعی است که روابط در آن رخ می‌دهد (ابوالقاسمی، ۱۳۸۹، ص: ۹۱). تبیین دیگر برای این مسئله، تأثیری است که دین بر نحوه ادراک افراد از خود و دیگران و نقششان در روابط بین فردی می‌گذارد. لذا عقاید دینی، با تنظیم چارچوب ادراکی، انتظارات و

پیش‌بینی‌های معینی از افراد را شکل می‌دهد (لازاروس، ۱۹۷۱؛ به نقل از عطارها، ۱۳۸۶، ص: ۱۰۱). در این مورد برادری دینی، سازه بسیار موثر در تنظیم چارچوب ادراکی طرفین از ارتباط بین فردی است. چراکه این مفهوم حقوق متقابلی را، برای افراد درگیر در ارتباط فراهم می‌کند. به عنوان نتیجه‌گیری باید متذکر شد که اصل برادری دینی، امکان برقراری ارتباط در سطحی برابر و هم‌ترا را بدون اصالت بخشیدن به تفاوت‌های فردی یا سایر امتیازات موجود در هر یک از طرفین ارتباط، فراهم می‌کند.

کل‌گرایی یا یکپارچه‌نگری

اغلب آموزه‌ها و مفاهیم سوره حجرات، بر پایه کل‌گرایی یا کل‌نگری بیان شده‌اند. به عنوان مثال، اگرچه مفهوم «برادری دینی»، در انما المومنون اخوة (آیه ۱۰)، منعکس کننده عمق همدلی، صمیمیت و همراهی افراد جامعه اسلامی با یکدیگر است. اما وجه دیگر این مسئله به در نظر گرفتن جامعه به عنوان یک کل، با اجزای نسبتاً متفاوت از لحاظ قبیله، رنگ پوست، نژاد و غیره اشاره دارد. بطوریکه خداوند متعال، در آیه ۱۳ این سوره، با بیان آفریده شدن انسان‌ها از یک مرد و زن (آدم و حوا)، آنها را اجزای یک کل می‌داند. گنابادی، ۱۴۰۸ هـ-ق، واژه «لتعارفوا» (شناسایی یا حصول شناخت) در این آیه را حکمت و فلسفه تفاوت‌های موجود در ظاهر نوع بشر دانسته، تا بتوانند بر اساس این کل (اجتماع) زندگی خود را بنا کرده، به هم انس گرفته و همدیگر را بشناسند (گنابادی، ۱۴۰۸ هـ-ق؛ ترجمه خانی و ریاضی، ۱۳۷۲، ج ۱۳، ص: ۳۳۴).

طباطبائی، ۱۴۱۷ هـ-ق، در تبیین چرایی مقید کردن کلمه «تلمزوا» به انفسکم در آیه ۱۱ سوره حجرات، می‌گوید، این امر برای اشاره به این است که مسلمانان در یک اجتماع زندگی می‌کنند و در حقیقت همه از همدند و یک کل را تشکیل می‌دهند و فاش کردن عیب یک نفر در واقع، فاش کردن عیب خود است و به این ترتیب کلمه «انفسکم» را، حکمت نهی کردن، از عیب جویی می‌داند (طباطبائی، ۱۴۱۷ هـ-ق؛ ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص: ۴۸۲).

علاوه بر این، واژه «انفسکم» برای بیان این است که هر یک از مؤمنین به منزله نفس دیگری می‌باشد (گنابادی، ۱۴۰۸ ه-ق؛ ترجمه خانی و ریاضی، ۱۳۷۲، ج ۱۳، ص: ۳۴۷). از سوی دیگر، واژه مذکور، نشان دهنده این است که همه مؤمنان به منزله نفس واحدی هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص: ۱۳۴). اینکه هر فردی خود را به جای دیگری قرار دهد و خود را از او بداند، در واقع قرار دادن و فرض کردن خود در آن واحد، هم به عنوان نقش و هم به عنوان زمینه، در یک کل است.

شارتز و هوپکو، ۲۰۰۳، ملاحظه کردند که یک میراث غنی از تعالیم دینی که شامل بازتاب نظام مندی از رشد به سوی کلیت (کل بودن) هستند، در تمامی ادیان اصلی جهان وجود دارد. در حقیقت، این کل نگری در حال توسعه، یک ساختار روانشناختی جدید برای فهم رفتار انسان است. به همین دلیل دین اغلب به عنوان یک فعالیت جمعی یا سازمان اجتماعی در نظر گرفته می‌شود (شارتز و هوپکو، ۲۰۰۳؛ به نقل از ویلز، ۲۰۰۷).

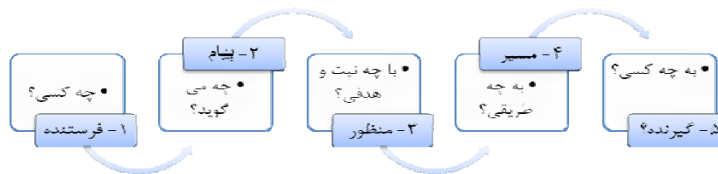
بررسی پیام (تحلیل خبر)

در کنار توجه داشتن به جایگاه مخاطب، احترام، کل گرایایی یا یکپارچه نگری، اخوت و برادری، یکی دیگر از اصول اساسی روابط بین فردی، که مورد اشاره مستقیم و جدی سوره حجرات واقع شده، بررسی پیام یا تحلیل خبر است. آیه ششم این سوره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر فاسقی برایتان خبری آورد، نیک واری کنید، مبادا به نادانی گروهی را آسیب برسانید و [بعد] از آنچه کرده‌اید پشیمان شوید).

نقطه اتکا این آیه در بحث تحلیل پیام، عبارت «فَتَّبَيَّنُوا» است. فَتَّبَيَّنُوا که «فَتَّبَيَّنُوا» نیز خوانده شده است، از تثبت، به معنای ثبات و بجای ماندن و اندیشه کردن و شتاب نکردن گرفته شده است (عاملی، ۱۳۶۰، ج ۸، ص ۲۹). کلمه «تبین» و نیز کلمه «استبانه» و «ابانه» همه به یک معنا هستند. این کلمه هم متعدی استعمال می‌شود و مفعول می‌گیرد، و هم لازم استعمال می‌شود. وقتی که متعدی شود، معنای ایضاح و اظهار را می‌دهد، مثلاً وقتی گفته می‌شود: «تبینت الامر» و

یا «استبنته» و یا «أبنت الامر» معنایش این است که من فلان امر را روشن و اظهار کردم. وقتی که لازم استعمال شود، به معنای اتضاح و ظهور خواهد بود، وقتی گفته می‌شود «ابان الامر» و یا «استبان الامر» و یا «تبين الامر» معنایش این است که فلان امر واضح شد (طباطبائی، ۱۴۱۷ هـ-ق؛ ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۸ ص ۴۶۳). معنای فَبَيَّنُوا در آیه مورد بحث، تلاش برای رسیدن به وضوح و انکشاف خبر است (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱۶، ص ۲۸).

تحلیل خبر، آنگونه که از معنای «تبين» بر می‌آید، به معنی بررسی و شفاف کردن ابعاد یا عناصر دخیل در سیستم ارتباطی (اطلاع رسانی) است. به عبارت دیگر، اگر ارتباط را یک الگوی خطی فرض کنیم، تبين، تحلیل عناصر موجود در این الگو است. عناصری نظیر آنچه که لاسول در مدل تحلیلی خود از ارتباط، بیان می‌کند. بنابراین منظور از «تبين» تحلیل عناصر ارتباط برای مصرح سازی منظور و مقصود اصلی ارتباطگر است. این تحلیل شامل موارد زیر می‌شود:



در معنای قرآنی «تبين»، فرستنده و منظور، بیشترین اهمیت را دارند. چرا که از یک سو، با تحلیل پیام فرستنده، قصد رسیدن به صدق و کذب پیام را داریم و از سوی دیگر، هویت و شخصیت فرستنده است که ضرورت تبين را فراهم می‌کند. لذا در تبين، صداقت و راستگویی در مقابل دروغ‌گویی و شایعه‌پراکنی و بالتبع، مومن و صادق در مقابل منافق و فاسق، مطرح می‌شود.

آداب روابط بین فردی

تأثیرات لحن، آهنگ و تُن صدا

در مورد شأن نزول آیه دوم سوره حجرات آمده است که، گروهی از طایفه بنی تمیم و بزرگان آن، به مدینه آمدند. آن‌ها هنگام ورود به مسجد النبی (صلی الله علیه و آله و السلم)، برای مطلع کردن رسول خدا (ص) از حضور خود، صدایشان را بلند کرده و از پشت حجره‌هایی که منزلگاه پیامبر (ص) بود، فریاد زدند: یا محمد اخرج علینا «ای محمد بیرون بیا» بگونه‌ای که این سروصداها و تعبیرات نامؤدبانه پیامبر را ناراحت می‌کرد (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۱۶، ص: ۲۶).

مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، با استناد به شأن نزول مذکور، معتقد است که بلند کردن صدا از صدای پیامبر یک نوع بی ادبی است و این مسئله در برابر پدر و مادر، استاد، معلم و افراد دیگر نیز صادق است. ایشان از این آیه این گونه استفاده می‌کند که نه تنها موقع هم سخن شدن با مخاطب (که در این جا منظور رسول خدا صلی الله علیه و آله و السلم است) نباید صدای خود را از صدای او بلندتر کنیم، بلکه وقتی که مخاطب خاموش و ساکت است نیز، نباید صدا را خیلی بلند کرد.

در باب آداب صحبت و معاشرت، امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «به سخنان گوینده (استادت)، کاملاً گوش فراده، روبه روی او بنشین، صدایت را از صدای او بلندتر نکن و در محضرش با کسی سخن نگو» (فیض کاشانی، بی تا؛ تصحیح و تعلیق، غفاری، ۱۳۸۳، ج ۳، ص: ۴۵۰). در مورد لحن و آهنگ صدا باید گفت که این موارد به طرز گفتار و شیوه صحبت کردن فرد بر می‌گردند و در تأثیر ارتباط کلامی و انتقال پیام نقش مهمی را ایفا می‌کنند. این آموزه، با توجه به شأن نزول آیه دوم، قابل استنباط است.

نوع نگاه و ملایم بودن آهنگ صدا

آیه سوم سوره حجرات، به اهمیت ملایم بودن آهنگ صدا و متوازن نمودن نگاه، اشاره کرده و این آداب را به عنوان ارزش‌های معنوی که منبعث از تقوا هستند؛ معرفی می‌کند. این موضوع با تحلیل معنای لغوی کلمه «يَعُضُّونَ» در عبارت «إِنَّ الَّذِينَ يَعْضُونَ أَصْوَاتَهُمْ...» آشکار می‌شود.

«يَغْضُونَ»، از ماده [غَض] بر وزن [حَظ] به معنی کم کردن و کوتاه نمودن نگاه یا صدا است و نقطه مقابل آن خیره نگاه کردن و صدا را بلند نمودن است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص: ۱۳۹).

ملایم بودن آهنگ صدا، امری است که از منظر قرآن، حمل بر رعایت ادب و احترام می‌شود. آیه ۶۳ سوره نور نیز، همین موضوع را در مدار توجه قرار داده، می‌فرماید: «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا...» فراخواندن و صدا زدن رسول خدا (ص) را مانند صدا زدن همدیگر قرار ندهید، یا او را با صوت بلند ندا ندهید، بلکه او را با الفاظ تعظیم و صدای آرام، مورد خطاب قرار دهید (طبرسی، بی تا؛ ترجمه امیری شادمهری، ۱۳۷۷، ج ۴، ص: ۱۸۶ و گنابادی؛ ۱۴۰۸، ترجمه خانی و ریاضی، ۱۳۷۲، ص: ۱۷۹).

شیوه گوش دادن

یکی از آموزه‌های بسیار مهم، که در میان تأکیدهای فراوان، در مورد آهسته صحبت کردن و خَفَضِ صوت، مستتر و پنهان است، نوع گوش دادنی است، که پیامبر اکرم (ص) در برابر سخنان گوینده، اعم از مومنین، منافقین و مشرکین، از خود، نشان می‌دادند. بنا بر استدلال منطقی، هر چه قدر آهنگ صدا آرام و آهسته باشد، گوش دادن، باید با توجه بیشتری صورت گیرد، تا مطالب بیان شده، مورد فهم قرار گیرند.

اگرچه گوش دادن همراه با توجه، به عنوان یکی از خصوصیات برجسته رسول خدا (ص)، در این سوره بطور مستقیم مورد اشاره قرار نگرفته، اما آیه ۶۱ سوره نور، بطور مستقیم به آن اشاره کرده است: «وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يَأْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أَدْنَىٰ قُلُوبِنَا خَيْرٌ لَّكُمْ...» (و از آنان کسانی اند که پیامبر را می‌آزارند و می‌گویند: او [سرآپا] گوش است - شنوای سخن هر کسی است - بگو: گوش نیکوست برای شما،...). قرائتی، ۱۳۸۳، در تفسیر این آیه بیان می‌کند که

۱- به همه مردم اجازه‌ی سخن بدهید تا نگویند حاضر به شنیدن حرف ما نیستید، هر چند

به ساده‌لوحی متهم شوید «يَقُولُونَ هُوَ أَدْنَىٰ».

۲- از آداب گوش دادن، توجه با تمام وجود به سخنان گوینده است. کلمه‌ی «أُذُنٌ» به معنای آن است که او سر تا پا گوش است (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۵، ص: ۹۳).

«اذن» در اصل به معنی گوش است، ولی به اشخاصی که زیاد به حرف مردم گوش می‌دهند، و به اصطلاح «گوشی» هستند نیز این کلمه اطلاق می‌شود. منافقین در حقیقت یکی از نقاط قوت پیامبر (ص) را که وجود آن در یک رهبر کاملاً لازم است، به عنوان نقطه ضعف نشان می‌دادند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص: ۱۵). همچنان که در سیره اخلاقی آن حضرت آمده است که «مَنْ تَكَلَّمَ، أَنْصَتُوا لَهُ حَتَّى يَفْرَغَ» کسی که سخن می‌گفت، به او گوش می‌دادند، تا سخنش به پایان برسد (طبرسی، بی تا؛ ترجمه میرباقری، ۱۳۶۵، ص ۱۵ و طباطبایی، بی تا؛ ترجمه فقیهی، ص ۱۸). از طرفی نیز، قرآن، معتقد است که بین گوش و عقل رابطه محکمی وجود دارد بطوری که در بسیاری از آیات قرآن، واژه «سمع» به معنای فهم، تدبر و تعقل بکار رفته است (نجاتی، ۱۳۸۸، ص: ۱۶۷). بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که در عمل گوش دادن (و نه شنیدن صرف)، برخی از فرآیندهای عقلانی (علی الخصوص ادراکی) دخالت دارند (نجاتی، ۱۳۸۸، ص: ۱۶۵).

شاید مهمترین جنبه هر ارتباطی، چگونگی گوش دادن ما باشد. رویکرد دینی در این زمینه، تأکید بر گوش دادن عمیق است. چنین گوش دادنی، به وجود آرامش درونی شنونده و ارائه توجه کامل و عاری از حواس پرتی از سوی وی، اشاره دارد. این امر می‌تواند به وسیله داشتن ذهنی باز و تمرکز بر آنچه که شخص دیگر می‌گوید آن هم به روش غیر قضاوتی انجام شود. در نهایت این نوع گوش دادن، گوش دادن خوبی است که دارای روحیه ای باز و پذیرا از طریق داشتن نگرشی مهربانانه است (براون، ۲۰۰۳).

به اعتقاد براون، آنچه که در رویکرد دینی به گوش دادن حائز اهمیت است، توجه به عمل انعکاس است. رویکرد دینی به انعکاس، به معنی ارزیابی پاسخ‌های درونی با هدف کمک به پیشرفت خودمان است. طوری که مشاهده پاسخ‌های خودمان به موقعیت‌ها را نیز شامل می‌شود. به این ترتیب، ما می‌توانیم شروع به فهم احساساتمان از خشم، اضطراب و وابستگی‌ها (احساس

وصل بودن)، به عنوان اموری که ممکن است در روابط بین فردی درک شوند، کنیم. این نوع از بازتاب، به نوبه خود باعث ایجاد تجارب مثبت و افزایش عزت نفس در ما می‌شود (براون، ۲۰۰۳).

موقعیت

یکی از آموزه‌های سوره حجرات در حوزه روابط بین فردی، توجه به زمینه و موقعیتی است که ارتباط، در آن رخ می‌دهد. از جمله عوامل مؤثر در موقعیت، شخصیت و جایگاه فردی است که می‌خواهیم با وی ارتباط ایجاد نماییم. همچنان که آیات اول این سوره، مؤمنین را به در نظر گرفتن جایگاه رسول خدا (ص) در جامعه اسلامی و در نتیجه رعایت ادب و احترام در حضور وی و ملایم کردن صدا نسبت به ایشان سفارش می‌کند. کارکرد موقعیت در آموزه‌های قرآنی، تنظیم لحن صدا با جایگاه و شخصیت مخاطب است. از این رو برای تأثیرگذاری بیشتر کلام، قرآن ویژگی‌های مختلفی را برای آن قائل شده است مانند:

۱- سدید بودن کلام در مقابل شایعات

«یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و قولوا قولا سدیداً» ای کسانی که ایمان آورده‌اید از خدا بترسید و سخن استوار (محکم) بگویید (احزاب/۷۰). سخن، درست نخواهد بود تا سالم و در وقت مناسب نباشد و چنین نخواهد بود جز آن که از روی اندیشه و نظر به حال و آینده بیان شود. چرا که وقتی مؤمن، حرفی می‌زند، احساس مسئولیت می‌کند. از این رو، پیش از سخن گفتن بسیار می‌اندیشد و اگر سخنی بگوید و بعدا دریابد که خطا بوده است، بر خطای خود اعتراف می‌کند. لذا، برای این که سخن ما درست باشد، باید از توجهات غلط، دروغ، سخن چینی، غیبت، تهمت و دیگر آفات زبان پرهیزیم (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۱۰، ص: ۳۲۲). سدید بودن کلام به معنای همراه بودن آن با عقل، منطق و استدلال است و این به نوبه خود بر ثبات و بقاء کلام می‌افزاید.

۲- نرمش در گفتار

«قَوْلًا لَهُ قَوْلًا لَيْتًا» به نرمی سخن گویند (طه/۴۴). «لین بودن کلام» به عاری بودن سخن، از تندی و خشونت در عین، حفظ صراحت و قاطعیت آن بر می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص: ۲۰۹). در لغت گفته شده: اللین ضد الخشونه، لینت، ضد خشونت است (اصفهانی، بی تا؛ ترجمه خداپرست، ۱۳۸۷، ص: ۷۵۲).

۳- بزرگووارانه بودن کلام

«وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» با پدر و مادر بزرگووارانه سخن بگویند (اسراء/۲۳). «قول کریم» به سنجیده و بزرگووارانه بودن کلام همراه با آهنگ زیبا سخن گفتن است (قرآنتی، ۱۳۸۳، ج ۷، ص: ۳۹).

۴- نیکو سخن گفتن با مردم

«وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» با مردم به نیکی سخن بگویند (بقره/۸۳). یعنی برای مردم آنگونه سخن بگویند که دوست دارید دیگران برای شما بگویند. ابن عباس گفته است مقصود سخن خوب و اخلاق خوش است (عاملی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص: ۱۱۶).

۵- آسان گوئی در گفتار

«فقل لهم قولاً میسوراً» و با ایشان با ملایمت و راحتی سخن بگوی (اسراء / ۲۸). برخی نیز «میسور» را گفتار نرم و آمیخته با لطف تعریف کرده‌اند (بابایی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص: ۶۳۳). یسیر نقطه مقابل عسر به معنی زحمت و تکلف است. بخشی از این آسان گوئی، به فصاحت و بلاغت کلام گوینده بر می‌گردد. فصاحت، یعنی سخنی که گوش را اذیت نکند و فهم را به زحمت نیندازد (که اشاره است به عاری بودن از تعقیدات لفظی و معنوی) (دشتی، ۱۳۷۹، ص: ۱۹۹).

بلاغت نیز، در اصطلاح عبارت است از مطابقت کلام با مقتضای حال و مقام، به عنوان نمونه فرد در مقام تأکید، ایجاز و یا اطناب سخن، رعایت هر یک را بنماید. بسیاری از ناهنجاری‌های سخن ناشی از عدم رعایت موقعیت کلام است. بلاغت در سخن حتی شامل

پرهیز از سؤال نامناسب هم خواهد شد (شریفانی، ۱۳۸۲، ص: ۱۰۰). از امام علی (ع) نقل شده که فرمود: «لا تتکلّمن اذا لم تجد للکلام» البته نباید هنگامی که برای کلام زمینه نیست سخن گفت (ری شهری، ۱۳۸۸، ص ۳۶۷).

موانع ارتباطی (عوامل مختل کننده مناسبات اجتماعی)

بخشی از سوره حجرات (آیات ۱۱ و ۱۲) به نهی مؤمنین از اموری می‌پردازد که منجر به برهم خوردن رابطه برادری آن‌ها می‌شود. این موانع، ماهیتا ریشه در مسائل درون-فردی‌ای دارند که به دلیل ابراز و حل نشدن شان در مسیر درست، به شکل گشتالت ناقص عمل کرده و روابط بین فردی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بعد دیگر بکارگیری این موانع توسط افراد، به ضعف آن‌ها در مهارت‌های معرفی خود بر می‌گردد. این موانع عبارتند از ذهن خوانی، تمسخر، عیب جویی و غیبت، بدگمانی و تجسس و در نهایت لقب زشت گذاشتن بر دیگران.

ذهن خوانی

در مورد شأن نزول آیه اول سوره حجرات، برخی از مفسرین نقل کرده‌اند که گروهی از قبیله بنی تمیم نزد رسول خدا (ص) آمدند. در این حین، خلیفه اول به پیغمبر گفت قیقاع بن عبد را به عنوان رهبر آنها تعیین کن در حالی که خلیفه دوم، اقرع بن حابس را پیشنهاد داد. جناب ابوبکر در خطاب به عمر گفت منظور تو فقط مخالفت با من بود و عمر پاسخ داد من چنین قصدی نداشتم. اختلافشان بالا گرفت و صدایشان را در نزد پیامبر (ص) بالا بردند که آیات اول و دوم نازل شد «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقَدَّمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (۱) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ» (۲) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در برابر خدا و پیامبرش [در هیچ کاری] پیشی مجوید و از خدا پروا بدارید که خدا شنوای داناست. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدایتان را بلندتر از صدای پیامبر مکنید، و هم چنان که بعضی از شما با بعضی دیگر بلند سخن می‌گویید با او به صدای بلند سخن مگویید، مبدا

بی‌آنکه بدانید کرده‌هایتان تباه شود) (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹، ص: ۱۱۶۲ و کاشانی، ۱۳۷۳، ج ۵، ص: ۳۳۶).

با دقت در تفسیر مذکور، مشخص می‌شود که ذهن خوانی، یکی از مواردی است که در مقابل ارتباط مؤثر، مانند یک سد عمل کرده و مسیر گفتگو را منحرف می‌کند. علاوه بر این باعث می‌شود مکالمه، به مسائلی نظیر صحبت کردن در مورد انگیزه‌ها (که معمولاً حالت جدلی دارند) کشیده شود. شاید عنوان مناسب دیگر برای این پدیده ذهنی، «پیش‌گویی خود-کام بخش» باشد. این مفهوم بدین معناست که ما اغلب نقش خود را در حوادث نادیده می‌گیریم. به نظر لی هی، ۲۰۰۳، تلاش برای اجتناب از پذیرش منطقی، اهمالکاری و زورگویی، سه نوع رفتاری هستند که باعث پیش‌گویی‌های خود-کام بخش می‌شوند. در این خصوص افراد اجتنابگر، از تعامل با دیگران کناره‌گیر می‌کنند و دست به دامن دلیل تراشی می‌شوند (لی هی، ۲۰۰۳، ترجمه حمیدپور و اندوز، ۱۳۸۹، ص: ۱۱۷).

استهزاء (مسخره کردن)

یکی مهمترین موانع ارتباطی، که موجب قطع ارتباط می‌شود، مسخره کردن طرف مقابل است. که رابطه بین فردی را به شدت تحت الشعاع قرار می‌دهد. پس از آنکه قرآن، پیوند میان مؤمنین را از نوع برادری می‌خواند و از لزوم آشتی و اصلاح ذات‌بین، برای رفع اختلافات صحبت می‌کند؛ اولین موردی که برای جلوگیری از ایجاد تنش در روابط بین فردی، نام می‌برد، مسخره کردن است.

«لا یسخر» در آیه یا «ایها الذین آمنوا لا یسخر قوم من قوم...» (حجرات/۱۱) مسخره، سخره و استهزاء دیگران است به زبان، مانند بکار بردن کلمات زشت - که موجب ناراحتی طرف مقابل و یا مضحکه او شود؛ و به رفتار، مانند تقلید کردن و ادای مخاطب را در آوردن است (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹، ص: ۱۲۰۹). برای مثال در تفسیر این آیه آمده است که برخی از زنان پیامبر (ص) ام سلمه را به خاطر کوتاهی قدش مسخره می‌کردند و یا به صفیه به خاطر یهودی بودن پدرش، آزار کلامی می‌رساندند (خسروانی، ۱۳۹۰ ه-ق، ج ۸، ص: ۵۵). مسخره

کردن، مانعی است که بیشتر در سطح عاطفی، عمل می‌کند و احساس حقارت و حقیر بودن را به طرف مقابل مخابره می‌کند.

تمسخر، حالتی منفی در ذهن است و موقعی ایجاد می‌شود که فرد موضوعی را که از نظر روانی برای او تنش ایجاد می‌کند در قالب کلماتی به به شخص دیگر ابراز می‌نماید تا از حالت تنش خود بکاهد. در حقیقت تمسخر، محرک آزارنده برای فرد دارد. از سوی دیگر باید به این نکته توجه داشت که افرادی که دچار عقده حقارت شدید می‌شوند، برای مبارزه علیه حقارت خود و همسان کردن خویش با فرد دیگر، به تمسخر روی می‌آورند. به عبارت دیگر، برای پنهان کردن عیب خود آن را به شخص دیگر فکنی می‌کنند. یعنی عیب خود را به فرد دیگر نسبت می‌دهند. در رابطه با اثرات تمسخر، باید گفت که مسخره کردن نوعی پرخاشگری است که به رابطه لطمه می‌زند و فرد را منفور کرده و منزوی می‌گرداند. این در حالی است که منزوی شدن باعث می‌شود، فرد احساس کمبود بیشتری کرده و به علت تنفر رابطه اجتماعی وی کمرنگ شده، سعی می‌کند افراد بیشتری را تمسخر نماید و به این ترتیب یک دور باطل از تمسخر و رانده شدن از اجتماع پیش می‌آید (حمیدی، ۱۳۹۰، ص: ۸۸).

عیب جویی و غیبت

مانع ارتباطی دیگری که این سوره بدان اشاره می‌کند، عیب جویی کردن است. آیه ۱۱ سوره حجرات می‌فرماید: «ولا تلمزوا انفسکم» و از یکدیگر عیب جویی نکنید. «لا تلمزوا» از ماده «لمز» بر وزن (طنز) به معنی عیبجویی و طعنه زدن است، و بعضی فرق میان «همز» و «لمز» را چنین گفته‌اند که «لمز» شمردن عیوب افراد است در حضور آنها، و «همز» ذکر عیوب در غیاب آنها است، و نیز گفته‌اند که «لمز» عیبجویی با چشم و اشاره است، در حالی که «همز» عیبجویی با زبان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص: ۱۸۰).

برای توضیح بیشتر این دو مفهوم به تفسیر آیه اول سوره «هُمَزَه» رجوع می‌کنیم. آیه الله مکارم شیرازی معتقدند که اولی از ماده «همز» در اصل به معنی «شکستن» است و از آنجا که افراد عیبجو و غیبت کننده شخصیت دیگران را درهم می‌شکنند به آنها «همزه» اطلاق شده و

«لمزة» از ماده «لمز» (بر وزن رمز) در اصل به معنی غیبت کردن و عیبجویی نمودن است. ولی بعضی گفته‌اند «همزه» به معنی غیبت کننده و «لمزه» به معنی عیبجو است. بعضی دیگر «همزه» را به معنی کسانی که با اشاره دست و سر عیبجویی می‌کنند و «لمزه» را به معنی کسانی که با زبان این کار را انجام می‌دهند دانسته‌اند. بعضی اولی را اشاره به عیبجویی روبرو، و دومی را به عیبجویی پشت سر می‌دانند. بعضی اولی را به معنی عیبجویی آشکار، و دومی را عیبجویی پنهان و با اشاره چشم و ابرو شمرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷، ص: ۳۱۰).

راغب اصفهانی می‌گوید: «غیبت، یاد کرد عیب دیگران است بدون آن که نیازی به آن باشد.» (مفردات راغب، واژه «غیب»). فقها در تعریف غیبت می‌گویند: «الغیبة ذکر الانسان بما یکرهه» آن چه که پشت سر کسی گفته شود که از آن خرسند نیست و آن را خوش نمی‌دارد (خویی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۲۵). انگیزه غیبت به ناتوانی افراد و به عبارت بهتر به حقارت آن‌ها بر می‌گردد. امام علی (ع) می‌فرماید «الغیبة جهده العاجز» غیبت تلاش انسانهای ناتوان است (سید رضی، ترجمه دشتی، ۱۳۷۹، ص: ۳۲۹). این امر نشان دهنده نوعی عقده حقارت و یا برون افکنی روحیه پست و همت کوتاه است. عوامل زمینه ساز غیبت بر اساس آیه ۱۲ سوره حجرات، بدگمانی و تجسس می‌باشد. با نگاه ریزینانه می‌شود هر کدام از بدگمانی و تجسس را به عنوان مانع ارتباطی در نظر گرفت. از انگیزه‌های دیگر غیبت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد

فرو نشانیدن خشم بر کسی که به او غضب کرده؛ همراهی با دیگران؛ خنثی کردن اثر حرفی که درباره او زده شده است؛ برای تبرئه کردن خود از اتهام؛ مباحات و تکبر، گاهی شخص برای اینکه فضیلت خود را اثبات کند، عیب برادر دینی اش را ذکر می‌نماید؛ حسد به کسی که مردم به او احترام کنند و دوستش دارند؛ مزاح و شوخی؛ مسخره کردن دیگری و خوار شمردن او؛ دلسوزی، که با دیدن عیب مؤمنی، از روی دلسوزی به باز گفتن آن می‌پردازد (عطائی، ۱۳۶۹، ص: ۲۳۳ و طیب، ۱۳۷۸، ج ۱، ص: ۳۳۴). غیبت دیگران را کردن «صحبت درباره» به جای «صحبت با» افرادی که حضور دارند، تعریف می‌شود. امتناع از بدگویی، مواجهه مستقیم با احساسات را تسهیل می‌کند. به عبارت دیگر، افراد معمولاً وقتی نتوانند

احساسات خود را درباره دیگران، کنترل یا مدیریت کنند، پشت سر آنها حرف می‌زنند (فیگن و شپرد، ۱۹۷۰، به نقل از تامپسون، ۲۰۰۳، ترجمه اسمعیلی، ۱۳۸۸، ص: ۱۰۹).

حسادت، به عنوان یکی از اصلی‌ترین ریشه‌های غیبت، احساس منفی و ناخوشایندی است که ریشه آن در احساس عدم امنیت و حقارت است. حسادت عاطفه‌ای مخرب است که از احساسات منفی درباره خویش‌ناشی می‌شود. فرد می‌تواند از قدرت تفکر منطقی خود، در گفتگو با خویش‌ناشن در موقعیت‌های حسادت برانگیز استفاده کند. البته باید گفت که حسادت به تمایل ما برای کنترل فرد دیگری که برای ما مهم است، ارتباط دارد. حسادت به چهار نوع شناختی، عاطفی، رفتاری و عاطفی- رفتاری تقسیم می‌شود (خمسه، ۱۳۸۷، ص: ۱۳۹).

حسادت رابطه نزدیکی با نیاز به برتر بودن دارد. فرد حسود نسبت به دیگران بویژه آنهایی که به خاطر عملکرد خوبشان مورد توجه قرار دارند، احساس حقارت می‌کنند. وی خودش را با دیگران مقایسه می‌کند و هیچگاه فکر نمی‌کند که بتواند در حد آنها باشد. این امر می‌تواند دلیل بسیاری از رفتارهای نامناسب از جمله غیبت کردن و عیب‌جویی باشد (درایکورس، گرونوالد و چاپلدرزپیر؛ ترجمه علیزاده و روحی، ۱۳۸۸، ص: ۱۸۸).

تکبر نیز به عنوان یکی دیگر از ریشه‌های غیبت کردن، شامل گفتارها و رفتارهایی است که در برگیرنده الف) اغراق در اهمیت خود، زیر دست نشان دادن دیگران، مقصر دانستن آنها و کاستن از بازخوردها؛ ب) نوعی خودشیفتگی که از نظر علائم بالینی دارای شدت کمتر، محدودتر و تا حدی هم‌جامعه‌پسندتر؛ ج) نوعی اعتماد به نفس کاذب قوی؛ د) اخذ تصمیم‌ها بدون کوشش دادن به دیگران؛ و) دیدن دیگران بعنوان افراد مصرف‌شده، است. علاوه بر این، تکبر، توهم شکست‌ناپذیری، تخفیف‌بازخورد، سرزنش دیگران بابت شکست‌هایشان و اتخاذ روابط بین فردی خشک را شامل می‌شود (سیلورمن، شیام ساندر و جانسون، ۲۰۰۷).

تکبر باعث تأثیرات نامطلوب، بر نتایج مطلوب اجتماعی - عاطفی روابط بین فردی نظیر علاقه و احترام می‌شود (شیام ساندر و سیلورمن، ۲۰۰۶؛ به نقل از سیلورمن، شیام ساندر و جانسون، ۲۰۰۷). علاوه بر این می‌توان غیبت را نه صرفاً بدگویی، بلکه به عنوان یک «مثلث

متعارض» تبیین کرد. که در آن فرد «الف» برای مرتفع ساختن احساس حسادت و کینه جویی خود، نسبت به شخص «ب»، فرد دیگری «شخص ج» را نیز درگیر رابطه مختل خود می‌کند. غیبت کردن همواره بصورت یک «معادله یک مجهولی ای» عمل می‌کند که در آن، طرف اصلی قضیه، همواره جزء قسمت اصلی و پنهان ارتباط است.

بدگمانی و تجسس

مراد از «اجتناب از ظن» در آیه ۱۲ سوره حجرات اجتناب از خود ظن نیست، چون ظن، خود نوعی ادراک نفسانی است و ناگهان ظنی به ذهن وارد می‌شود و آدمی نمی‌تواند از ورود ظن اعم از خوب یا بد جلوگیری کند، پس نهی کردن از خود ظن صحیح نیست. مگر آنکه از پاره‌ای از مقدمات اختیاری آن نهی کند. پس منظور آیه مورد بحث، نهی از پذیرفتن ظن بد است، چرا که ظن خوب مقبول است. لذا خداوند می‌خواهد بفرماید: اگر در باره کسی ظن بدی به دلت وارد شد آن را نپذیر و به آن ترتیب اثر مده (طباطبائی، بی تا؛ ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۸۳).

بنابراین، پس اینکه فرمود بعضی از ظن‌ها گناه است، باز خود ظن را نمی‌گوید، (چون ظن به تنهایی چه خوبش و چه بدش گناه نیست، برای اینکه گفتیم اختیاری نیست)، بلکه ترتیب اثر دادن به آن است که در بعضی موارد گناه است (طباطبائی، بی تا؛ ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۸۳).

ابن اثیر می‌نویسد: تجسس، جستجو کردن از چیزهای پنهانی است و بیشتر در کشف امور شرّی که مخفی هستند استعمال می‌شود (ابن اثیر، ۱۳۶۷، ص: ۳۸۲). مرحوم شهید ثانی نیز در تعریف اصطلاحی آن می‌فرماید: معنی تجسس این است که بندگان خدا را زیر پرده ستاریت پروردگار رها نکنی و پرده از روی کار آنان برداری و آنچه را که خداوند پوشیده داشته است آشکار کنی که این کار وسیله کسب اطلاع از امور مخفی آنها و پرده برداشتن از روی اسرارشان می‌شود و در نتیجه آنچه بر تو پوشیده بود آشکار می‌گردد که اگر مخفی بود دل و دینت سالم‌تر می‌ماند (مهدوی کنی، ۱۳۷۶، ص ۱۶۴).

نکته‌ای که ذکر آن مفید به نظر می‌رسد این است که تجسس و تحسس هر دو به معنای جستجو کردن است با این تفاوت که معمولاً تجسس در امور شرّ بکار می‌رود، ولی تحسس در امور خیر به کار برده می‌شود (طباطبائی، بی تا؛ ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۵۲).

تجسس در موارد مختلف، معمولاً از نتایج عداوت و حسادت است که به جهت تسلی خاطر خود در پی کشف عیوب دشمن خود بوده تا با منتشر کردن آنها باعث رسوایی وی گردد (نراقی، بی تا؛ ترجمه مجتبی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۷۸). علاوه بر آن، گاهی شخص به خاطر «احساس حقارت و خبائثی» که در اوست و در اثر غرور و خودخواهی، تحریک و تقویت می‌شود و در صدد برملا کردن زشتی‌های دیگران به پا می‌خیزد که اگر خود نمی‌تواند به دیگران برسد اقلماً آنها را پایین کشد (موسوی لاری، ۱۳۷۰، ص ۸۹).

در تبیین بدگمانی می‌توان چنین ادعا نمود که این مانع ارتباطی، از تحریف‌های شناختی فرد ناشی می‌شود. در واقع بدگمانی، نوعی خطای شناختی است که در حوزه روابط بین فردی رخ می‌دهد. در مرحله بعد، این بدگمانی، منجر به تجسس و در مرحله آخر منجر به غیبت می‌شود. از آنجا که بدگمانی، دارای ماهیتی شناختی است؛ قران کریم سعی نموده تا از طریق تصویر سازی ذهنی و بکار بردن تمثیل از آن جلوگیری نماید. ریشه‌های بدگمانی به مواردی همچون شایعه و تهمت زدن (نور/۱۲)، همنشینی با بدان، ترس و ضعف نفس و در نهایت دورویی و نفاق بر می‌گردد (رحمانی، ۱۳۸۶، ص: ۳۹).

بدگمانی می‌تواند، تحت عنوان ارزیابی منفی فرد، اعمال و نگرش‌های او تعریف گردد. چنانکه بولتون، بی تا، بر اساس تعریف مزبور، مفهوم «انتقاد» را بکار می‌برد (بولتون، بی تا، ترجمه سهرابی، ۱۳۸۵). اغلب بدگمانی نقطه مقابل حسن ظن، در نظر گرفته می‌شود. حسن ظن نوعی تفکر و ارزیابی مثبت نسبت به رفتارها و نیات دیگران است. لذا می‌توان حسن ظن را تا حدودی مفهومی مترادف با «تفکر مثبت» در روان‌شناسی دانست. در تعریف تفکر مثبت باید گفت که آن، شیوه‌ای از فکر کردن است که فرد را قادر می‌سازد نسبت به رفتارها،

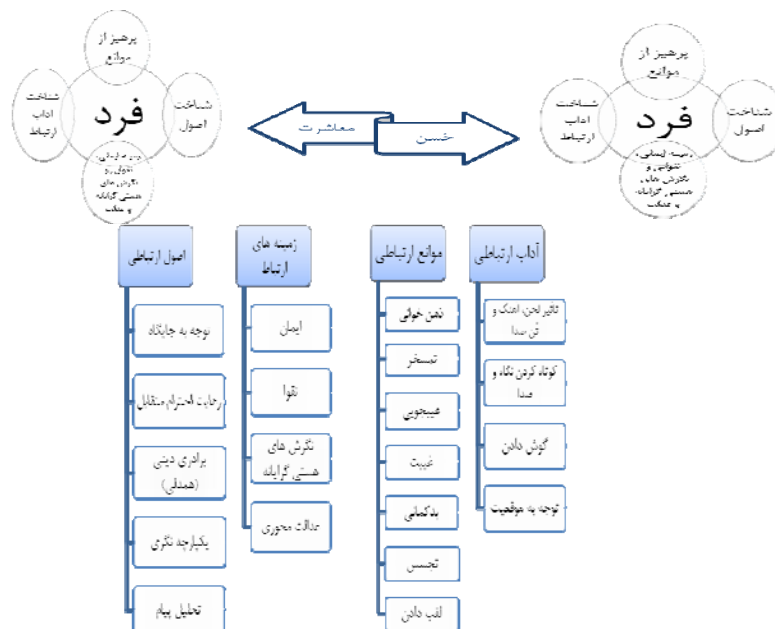
نگرش‌ها، احساسات، علایق و استعدادهای خود و دیگران برداشت و تلقی مناسبی داشته باشد و با حفظ آرامش زندگی خود، بهترین تصمیم‌ها را اخذ کند (نیازی و فیضی، ۱۳۸۹، ص: ۹۰). در نهایت باید متذکر شد که حسن ظن داشتن در مقابل بدگمانی، کل نگری و یکپارچگی در مقابل فرد-محوری، به عنوان شاخص‌هایی که با سلامت روانی مرتبط هستند، می‌توانند از نتایج زندگی به سبک معنوی باشند (موریثرا-المدیا، بی تا؛ به نقل از، لوتوفونتو و کوئین، ۲۰۰۶).

لقب بد گذاشتن روی دیگران

مانع ارتباطی دیگری که سوره حجرات به آن اشاره می‌کند مخاطب قرار دادن فرد با القاب زشت است. کلمه «نیز»- به فتح حرف اول و دوم- به معنای لقب است و به طوری که گفته‌اند اختصاص دارد به لقب‌های زشت. پس «ولاتنازوا» در آیه ۱۱ سوره حجرات که باب تفاعل و طرفینی است، به معنای این است که مسلمانان نباید به یکدیگر لقب زشت از قبیل فاسق، سفیه و امثال آن بدهند (طباطبائی، بی تا؛ ترجمه موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۴۸۲). لقب بد گذاشتن بخشی از استهزاء و دارای همان نتایج مربوط به آن است. یعنی هدف این کار چیزی جز تحقیر طرف مقابل و زیر سؤال بردن شخصیت وی نیست. ریشه اموری چون استهزاء، لقب بد گذاشتن و عیب جویی بیشتر به روحیه خود بزرگ بینی و تکبر بر می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص: ۱۸۰). بولتون، این مانع را تحت عنوان «نام گذاری» تعریف کرده است. نام گذاری به معنای خوار و خفیف کردن و یا دادن یک عنوان کلیشه ای به فرد است (بولتون، بی تا؛ ترجمه سهرابی، ۱۳۸۵، ص: ۲۵۹).

در مورد تمامی موانع ارتباطی که در سوره حجرات مورد اشاره قرار گرفته اند باید گفت که همگی آنها در حوزه‌ای از خشم قرار می‌گیرند که تحت عنوان پرخاشگری رابطه‌ای شناخته شده است. پرخاشگری رابطه‌ای، نوعی از پرخاشگری است، که به قصد آسیب‌رسانی به روابط میان فردی صورت می‌گیرد. به صورت غیر مستقیم مانند بدگوئی کردن، غیبت و طرد فرد از گروه دوستان و بصورت مستقیم مثل اظهارات منفی و پرخاشگری کلامی (نویدی، ۱۳۸۵، ص: ۱۷۰).

این نوع پرخاشگری موجب حذف اجتماعی و آزار سایرین می‌گردد. پرخاشگری رابطه‌ای دارای همان الگوی رفتار پرخاشگری جسمانی است که به نوعی، آسیب و آزار دیگران از راه روابط می‌انجامد. این نوع پرخاشگری به روابط دوستان آسیب می‌رساند و کنار گذاشته شدن فرد از گروه دوستان را در پی دارد. فرد پرخاشگر با پخش شایعات و بدگویی یا حتی وادار کردن سایرین به قطع رابطه دوستانه، موجب حذف فرد دیگری از گروه می‌شود (کریک و گرات پیتر، ۱۹۹۵؛ به نقل از شهیم، ۱۳۸۶). در کل، با توجه به یافته‌های موجود می‌توان یک مدل محتوایی در زمینه ارتباط به صورت زیر ارائه کرد:



بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر که با هدف استنباط اصول، مبانی و آداب روابط بین فردی بر اساس آموزه‌های اخلاقی - اجتماعی سوره حجرات انجام شد، مبین چندین نتیجه است. اول اینکه برای برقراری ارتباط آن هم به طور مؤثر، توجه به اصول و زمینه‌های آن حائز اهمیت است. دوم اینکه، آداب

استنباط شده از آیات سوره حجرات، به نحو گسترده‌ای در برگیرنده مهارت‌های ارتباطی، خصوصاً ارتباط غیر کلامی است. سوم اینکه، موانعی وجود دارند که ارتباط بین فردی را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

می‌توان این‌گونه استدلال کرد که، این آموزه‌ها اغلب، گزاره‌هایی هستند که هم در سطح شناختی و هم در سطح رفتاری، عملکرد فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. خصوصاً آنکه، زمینه‌های انگیزشی مناسب را برای این تأثیر گذاری، فراهم می‌نمایند. به عبارت دیگر، افزایش آگاهی در مورد اصول معاشرت و روابط بین فردی، تأکید بر ضرورت دوری از عواملی که نقش مضر و نامطلوبی بر روابط اجتماعی دارند، ارائه دیدگاهی مبنی بر برادری (اخوت)، برابری (عدم اصالت امور مادی، تفاخر و تبعیض) و کل نگرانه نسبت به مسائل اجتماعی، خصوصاً ارتباط با دیگران و در نهایت، بکارگیری تصویر سازی‌های ذهنی برای ملموس ساختن قبح رفتارهایی که بیشتر، تحت عنوان موانع ارتباطی مطرح شدند؛ از جمله عواملی هستند که در سه سطح شناختی، انگیزشی و رفتاری، می‌توانند روابط بین فردی را تحت تأثیر قرار دهند. شریعتی و کرمی (۱۳۸۹)، نیز این‌گونه تبیین کردند که معارف اسلامی از رویکردی شبیه به رویکردهای شناختی و شناختی- رفتاری در کنترل خشم استفاده می‌کند.

این آموزه‌ها، خصوصاً مواردی که در ذیل مبحث موانع ارتباطی قرار گرفته‌اند مانند، عیبجویی، غیبت، تمسخر، سوء ظن و تهمت زدن؛ ضمن این که طرفین ارتباط را متوجه انگیزه‌های اصلی این رفتارها مانند، کینه، خشم، حسادت و تکبر کرده، راه‌های اصلی درمان را در پیش گرفتن تقوا، تعقل و تدبر در امور هستی، تفکر مثبت، حتی به سخن ساده تر، اجتناب از این امور معرفی می‌کند. همچنین، آموزه‌های سوره حجرات، شناخت فرد را نسبت به کل هستی، فلسفه آفرینش، شیوه‌های اتخاذ تصمیم‌ها و قضاوت‌های صحیح را تحت تأثیر قرار می‌دهند. پژوهش گروه S.R. P.B سازمان جهانی بهداشت (۲۰۰۶)، نیز اثرات مثبت و درمانی این راهبردها را در تمام حوزه‌های مربوط به کیفیت زندگی، نشان داده است. لذا از یک سو، آموزه‌های سوره حجرات با ارائه این دستورالعمل‌های کاربردی، توانایی خودکنترلی فرد را

افزایش داده و وی را قادر می‌سازد هیجانات منفی خود را مدیریت کند و از سوی دیگر وی را تشویق می‌کند تا در رابطه با دیگران به ایجاد هیجان‌های مثبت، متوسل گردد. در رابطه با مدل محتوایی ارتباط، که از یافته‌های پژوهش حاضر است باید متذکر شد که مدل فوق تقریباً تمامی مطالب استخراج شده از سوره حجرات را در بر می‌گیرد. بر اساس این مدل، ارتباط بین فردی اشخاص در جامعه در چهار حوزه زمینه شخصی، آشنایی به اصول و مبانی ارتباط، شناسایی و رعایت آداب ارتباط و شناسایی و رفع موانع ارتباطی قابل تبیین است. زمینه شخصی در برگیرنده نوع نگاه فرد به محیط پیرامونی و نگرش‌های هستی‌شناسانه، اصالت قائل شدن به تقوا، ایمان یا نظام تشخیص و ارزیابی شخصی و در نهایت توانایی ملاک قرار دادن عدالت در امور بین فردی است.

اینکه فرد قادر به افزایش شناخت خود درباره کل هستی و جایگاه خاص خود در آن باشد؛ یا نظام فکری خود را نسبت به فلسفه آفرینش توسعه دهد؛ یا به زندگی خود معنا و مفهوم توجیه پذیری را بدهد؛ به نگرش‌های هستی‌شناسانه اشاره دارد. ایمان، در حقیقت یک چارچوب ادراکی خاصی را برای فرد فراهم می‌آورد تا بر اساس آن، فرد بتواند مسیرهای صحیح برای تصمیم‌گیری و قضاوت را شناسایی و تقویت کند. تقوا، نیز به عنوان توانایی خود مهارگری یا خودکنترلی که ارتباط تنگاتنگی با ایمان فرد دارد باعث افزایش توانایی فرد در به تأخیر انداختن قضاوت‌های ارزش‌گذاری شده در مورد دیگران و داشتن تفکر مثبت می‌شود. عدالت محوری نیز باعث می‌شود ارتباط همواره در یک سطح برابر و عاری از تبعیض‌های مادی و اجتماعی رخ دهد.

اصول ارتباطی، در برگیرنده جایگاه مخاطب- شامل شکل دهی به توقعات، عمل بر مبنای ایمان و عدالت، صداقت، مسئولیت‌پذیری- رعایت احترام متقابل، یکپارچه‌نگری، اخوت و برادری دینی و تحلیل پیام می‌شود. آداب برقراری ارتباط و موانع نیز به نحوی با یکدیگر ارتباط نزدیکی دارند. چراکه آشنایی فرد با موانع ارتباطی و تلاش برای به حداقل

رساندن آن‌ها و سعی در پرورش رفتارهای متعارض با آن‌ها خود جزیی از آداب ارتباط بین فردی محسوب می‌شود.

منابع فارسی

- ابن اثیر (بی تا). *النهایه فی غریب الحدیث و الأثر*. تحقیق طاهر احمد الزاوی و محمود محمد الطناحی (۱۳۶۷). قم: مؤسسه اسماعیلیان
- ابوالقاسمی، شهنام (۱۳۸۹). تأثیر شعایر دینی بر بهداشت روانی جوانان. *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، سال ۲، شماره ۱، صص ۶۹-۴۷.
- اصفهان‌ی، راغب (بی تا). *المفردات فی قریب القرآن*. ترجمه حسین خداپرست (۱۳۸۷). قم: دفتر نشر نوید اسلام
- افتخاری، حمید (۱۳۹۰)، روانشناسی تمسخر، شوخی و خنده. فصلنامه علمی- تخصصی ذهن زیبا، سال پنجم، شماره دهم، ص ۷.
- بابایی، احمد علی (۱۳۸۲). *برگزیده تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه
- بولتون، رابرت (بی تا). *روان شناسی روابط انسانی (مهارت‌های مردمی)*. ترجمه سهرابی، حمیدرضا و حیات روشنایی، افسانه (۱۳۸۶). تهران: رشد
- تامپسون، روزماری (۲۰۰۳). *نظریه‌ها و فنون مشاوره*. ترجمه اسمعیلی، معصومه (۱۳۸۸). تهران: علمی و فرهنگی
- حسینی، داود (۱۳۸۹). *روابط سالم در خانواده*. قم: بوستان کتاب
- خسروانی، علی رضا (۱۳۹۰ ه-ق). *تفسیر خسروی*. تهران: انتشارات اسلامیه
- خمسه، اکرم (۱۳۸۷). *آموزش قبل از ازدواج: راهنمای عملی برای زوج‌های جوان*. تهران: دانشگاه الزهراء و پژوهشگاه زنان
- خویی، ابوالقاسم (۱۳۷۱). *مصباح الفقاهه*. قم: موسسه انصاریان
- دلجو، شریعت (۱۳۸۵). *ارتباط انسانی: تفاهم با دیگران*. تهران: سپهر سخن

- درایکورس، رودلف و برونیا گرونوالد، برنیس و چایلدرزپیر، فلوی (۱۳۸۸). مدیریت کلاس: رویکرد روان‌شناختی به بهسازی آموزش و ارتباطات مدرسه. ترجمه حمید علیزاده و علیرضا روحی. تهران: دانژه
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۹). لغت نامه دهخدا. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. ج ۱، صص ۱۵۵۷-۱۵۵۸.
- رحمانی، حجت الله (۱۳۸۴). معیارهای گفتگو در قرآن. مجله سروش وحی، شماره ۱۲.
- ری شهری، محمد (۱۳۸۸). میزان الحکمه. قم دارالحدیث.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۳). اندیشه‌های بنیادین علم ارتباطات. تهران: خجسته.
- سید رضی (بی تا). نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی (۱۳۷۹). قم: مشهور.
- شریفانی، محمد (۱۳۸۲). آداب گفتگو در قرآن. مجله معارف، شماره ۱۲.
- شریعتی، سید صدرالدین و کرمی، مرتضی (۱۳۸۹). رویکردها و مهارت‌های کنترل خشم بر اساس آموزه‌های اسلامی. فصلنامه فرهنگ مشاوره، سال اول، شماره سوم، صص ۷۱-۱۰۰.
- شهیم، سیما (۱۳۸۶). پرخاشگری رابطه ای در کودکان پیش دبستانی. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، سال سیزدهم، شماره ۳، صص ۲۷۱-۲۶۴.
- طباطبائی، محمدحسین (بی تا). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی (۱۳۷۴). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طبرسی، حسن (بی تا). الاداب الدینیة للخزانة المعینیة. ترجمه احمد عابدی (۱۳۸۰). قم: انتشارات زائر.
- طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات اسلام.
- عابدی، علیرضا (۱۳۸۵). ارتباطات بین فردی. نشریه حمایت.
- عاملی، ابراهیم (۱۳۶۰). تفسیر عاملی. تهران انتشارات صدوق.
- عطائی، محمدرضا (۱۳۶۹). مجموعه ورام، اخلاق و آداب در اسلام. مشهد: آستان قدس.
- عطارها، نعیمه (۱۳۸۶). هنجاریابی آزمون مهارت‌های ارتباطی و تعیین ویژگی‌های روان‌سنجی آن. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی (ره) تهران.

فرهنگی، علی اکبر (۱۳۸۴). بررسی اثربخشی آموزش ابراز وجود به شیوه گروهی بر افزایش توان مقابله با استرس دانش آموزان دختر دبیرستانی ناحیه ۵ شهر مشهد. *پایان نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه علامه طباطبائی (ره) تهران

قاسم آبادی، ربابه (۱۳۷۷). *ارتباطات و پیوندهای اجتماعی ضامن سلامت فرد و جامعه*. نشریه کار و کارگر

قرائتی، محسن (۱۳۸۰). *تفسیر سوره حجرات*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن

قرائتی، محسن (۱۳۸۳). *تفسیر سوره حجرات*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن

کاشانی، فتح الله (۱۳۷۳). *خلاصه المنهج*. تهران: انتشارات الاسلامیه

کاشفی سبزواری، حسین (۱۳۶۹). *مواهب علیه*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات اقبال

گُری، جرال (۲۰۰۵). *نظریه و کاربرد مشاوره و روان درمانی*. ترجمه سید محمدی، یحیی (۱۳۸۸). تهران: ارسباران

کریمی، مرضیه (۱۳۸۸). *بررسی اصول و روش‌های مهارت‌های ارتباطی بر مبنای سنت معصومان*

(ع). *پایان نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه علامه طباطبائی (ره) تهران

کیا، علی اصغر (۱۳۸۵). *ارتباطات جمعی و روابط بین المللی*. تهران: آن

گنابادی، سلطان محمد (۱۴۰۸ ه. ق.). *تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباد*. ترجمه رضا خانی و

حشمت اله ریاضی. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور

لی هی، رابرت (۲۰۰۳). *تکنیک‌های شناخت درمانی: راهنمای کاربردی برای متخصصین بالینی*.

ترجمه حمیدپور، حسن و اندوز، زهرا (۱۳۸۹). تهران: ارجمند

فیض کاشانی، ملا محسن (۱۳۸۳). *المحجّه البيضاء*. ترجمه علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات

اسلامی، ج ۵، ص ۲۵۵

محسنیان راد، مهدی (۱۳۸۵). *ارتباط شناسی*. تهران: سروش

مسترا، ام. (بی تا). *ارتباط فعال*. ترجمه میر عابدینی، احمد (۱۳۸۶). تهران: خجسته

مصطفوی، محمد (۱۳۸۶). *تأثیر آموزش مهارت‌های ارتباطی در افزایش رضایت شغلی کارکنان*

آموزشی (مدیران، معاونان و معلمان) مدارس راهنمایی. *پایان نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه

علامه طباطبائی (ره) تهران

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامی
- ملکی، حسن (۱۳۸۶). ۳۰ مهارت زندگی (ویژه نوجوانان و جوانان). تهران: آبیژ
- موسوی لاری، مجتبی (۱۳۷۰). مسائل اخلاقی-روانی. قم: نشر معارف اسلامی
- مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۷۶). نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی. قم: دفتر نشر اسلامی
- نجاتی، محمد عثمان (۱۳۸۸). قرآن و روان‌شناسی. مشهد: آستان قدس رضوی
- نویدی، احد (۱۳۸۵). آزمون تأثیر آموزش مدیریت خشم بر مهارت‌های خودنظم‌دهی خشم و سازگاری و سلامت عمومی پسران دوره متوسطه شهر تهران. رساله دکتری. دانشگاه علامه طباطبایی (ره) تهران.
- نیازی، محسن و فیضی، فائزه (۱۳۸۹). مهارت‌های زندگی: گام‌های اصلی برای کسب مهارت‌های فردی و اجتماعی. تهران: سخنوران
- هارجی، اون؛ ساندرز، کریستین و دیکسون، دیوید (بی تا). مهارت‌های اجتماعی در ارتباطات میان فردی. ترجمه فیروزبخت، مهرداد و بیگی، خشایار (۱۳۸۶). تهران: رشد.

منابع انگلیسی

- Basak Coruh, B. S., Hana Ayele, M. D., Meredith Pugh, B. S., & Thomas Mulligan, M. D. (2005). Does Religious Activity Improve Health Outcomes? A critical Review Of The Recent Literature. *The Journal Of Explore* , 1, 186-191.
- Brown, C. (2003). Low Morale And Burnout; Is The Solution To Teach A Values-Based Spiritual Approach? *The Jjournal Of Complementary Therapies I n Nursin & Midwifer* , 9, 57-61.
- Burleson, B. R. (2003). *Emotional Support Skill*. Mahwah, New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates.
- Burton, G., & Dimpleby, R. (2002). *Teach Communication*. New York: Routledge.
- Celiajenkins, M. D., & James Mangner, M. D. (2008). *Teaching Communication Skills*. SouthWestern: Medical Center.
- Coeling, H., & Cuker, P. L. (2000). Communication Style That Promote Perceptions Of Coollaboration, Quality, And Nurse Satisfaction. *The Journal Of Nurs Care* , 14, 63-74.
- Craig-Unkefer, L.A., & Kaiser, A.P.(2002). Improving the social communication skills of at-risk preschool children in a play context. *Topics in early childhood special education*, copyright: Looks mart 2004.

- Hargie, O., Dickson, D., & Tourish, D. (2004). *Communication Skills For Effective Management*. New York: Palgrave Macmillan.
- Hartley, P. (2001). *Interpersonal Communication*. London & New York: Routledge.
- Karekla, M., & Constantinou, M. (2010). religious coping and cancer: proposing an acceptable and commitment therapy approach. *journal of cognitive and behavioral practice* , 17, 371-381.
- Liu, J. E. (2005). *The Development And Evaluation Of A Communication Skills Training Program For Registered Nurses In Cancer Care In BFIJING , China*. Hong Kong: Polytechnic University.
- Mcpheat, S. (2010). *Advanced Communication Skills*. New York: MTD Training & Ventus Publishing APS.
- Sanchez, Z. V., & Nappo, S. A. (2008). Religious Treatments For Drug Addiction: An Exploratory Study In Brazil. *The Journal Of Social Science & Medicine* , 67, 638-646.
- Silverman, S. B., Shyamsunder, A., & Johnson, R. E. (2007). *Arrogance: A Formula For Failure*. 22ed Annul society For Industria and Psychology Conferencel (pp. 103-119). New york: NY.
- Taylor, S., & Lester, A. (2009). *Communication: Your Key To Success*. Singapore: Marshall Cavendish Business.
- Verderber, K. S., & Verderber, R. F. (2001). *Interact: Interpersonal Communication Concepts, Skills, And Contexts*. Australia: Wadsworth.
- WHOQOL SRPB GROUP. (2006). a cross-cultural study of spirituality, religion and personal beliefs as components of quality of life. *journal of social science and medicine* , 62, 1486-1497.
- Wills, m. (2007). *Connexion, Action, And Hope: An Invitation To Reclaim The "Spiritual" In Health Cqre*. *The Journal Of Religous Health* , 46, 423-436.